

اصلاحات اقتصادی چین و چشم انداز آینده

امیر هوشنگ میر کوشش*

پیشگفتار

ممل جهان در قرن ۲۱ میلادی، با شرایط و اوضاع و احوال جدیدی روبه‌رو خواهند بود که در آن همه منابع و سرمایه‌ها و علوم و فنون و نیروی انسانی کشورها در بازاری واحد به کار می‌افتد و فرضیات گذشته درباره زمان و مکان بی اعتبار می‌شود. این اوضاع و شرایط موجبات ظهور هفت روند اصلی در جهان را فراهم خواهد کرد (خوا: ۲۰۰۱):

۱- اطلاعات عامل اصلی توسعه و پیشرفت اقتصادی خواهد بود. با انقلاب اطلاعاتی و گسترش نقش اینترنت و ماهواره، برنده واقعی کسی است که بتواند اطلاعات بیشتری را در کمترین زمان ممکن به دست آورد.

۲- علوم و فنون در رشد اقتصادی کشورها جایگاه بی سابقه‌یی پیدا کرده است.

۳- سرمایه‌گذاری خصوصی، به صورت عامل کلیدی در انتقال سرمایه‌گذارهای بین‌المللی در آمده و نقش فزاینده شرکت‌های فراملی تثبیت گردیده است.

۴- ساختار اقتصاد بین‌المللی، نیازمند سازماندهی قوی خواهد بود که بتواند بحرانها و مشکلات را پیش‌بینی کند و راه‌حلهای مناسب برای آن بیندیشد.
۵- تشدید فرار مغزها، از کشور توسعه نیافته که نیاز کشورها را پیشرفته صنعتی، آن را تشویق می‌کند.
۶- وابستگی متقابل میان کشورها گسترش می‌یابد. بنابراین، تقویت همکاریهای میان منطقه‌یی و داشتن تشکیلات اداری قوی و اتخاذ سیاستهای اصولی ضرورت می‌یابد.

۷- در کشورهای در حال توسعه، توجه به دو وظیفه اساسی؛ یعنی اصلاحات و اتخاذ سیاست درهای باز فوریت بیشتری خواهد یافت.

طرح مسأله

امروزه، دیگر جایگاه چین به عنوان یکی از قدرتهای اقتصادی جهانی، مورد تردید نیست. ۲۵ سال از آغاز اصلاحات اقتصادی چین و گشودن درهای اقتصاد آن به‌روى جهان خارج می‌گذرد. در این مدت، چین پرجمعیت‌ترین کشور جهان، از يك کشور فقیر با

بر اساس رقابت عادلانه و برابر بیدید آورد. تأمین نیروی انسانی مناسب، نیز، از چالشهای بسیار بزرگ بر سر راه کشورهای در حال توسعه است. بسیاری از اندیشمندان پیشرفتهای اقتصادی ژاپن را به علوم و فنون پیشرفته آن کشور مربوط می‌دانند، اما، ژاپنها خود را مدیون نیروی انسانی کارآمد می‌پندارند که بهره‌وری از علوم و فنون و سرمایه و مواد اولیه را در بهترین سطح امکان‌پذیر ساخته است. هدف راهبردی چین، رسیدن به سطح کشورهای پیشرفته جهان تا سال ۲۰۲۰ است، که با ورود این کشور به سازمان تجارت جهانی و گام برداشتن به سمت اقتصاد بازار، دور از دسترس نخواهد بود. بررسی روند تحولات تاریخی اقتصاد چین، شاخصها و متغیرهای اقتصادی و چشم‌انداز آینده اقتصادی چین و چالشهای فراروی آن، می‌تواند در ترسیم نظام اقتصادی چین کمک کند.

روند تاریخی تحولات اقتصادی چین

اقتصاد چین تا قبل از پیروزی انقلاب این کشور در سال ۱۹۴۸، عموماً متکی بر کشاورزی بود و بیش از

○ ناسیونالیسم مدرن چینی و دستاوردهای اقتصادی و فرهنگی، چین را به یکی از قدرتهای اصلی در آسیای خاوری و یکی از بازیگران بزرگ در جهان تبدیل کرده است. روند رشد اقتصادی چین به اندازه‌ای رسیده که مقامات آن کشور را نگران ساخته تا اقدامات جدی و موثری برای آهسته کردن روند رشد چین به عمل آورند. اکنون، استراتژی چین بر گسترش نفوذ خود بر پایه قدرت اقتصادی تمرکز یافته است. چین، در پهنه ژئوپلیتیک، به بهره‌گیری از دیپلماسی - به جای زور - گرایش بیشتری نشان می‌دهد.

حکومت درونگرایی کمونیستی، به یکی از قدرتهای اقتصادی عمده جهان تبدیل شده است. چین، یکی از کشورهایی است که در سالهای اخیر از جمله کشورهای موفق در پشت سر گذاشتن تحولات شگرف اقتصادی بوده و از روند رو به رشدی در زمینه‌های مختلف اقتصادی برخوردار بوده است. اصلاحات اقتصادی و سیاست درهای باز دنگ شیائوپینگ در دهه ۱۹۸۰ و شعار صلح و پیشرفت، استراتژی بین‌المللی چین را تشکیل داده، چین را به سمت توسعه محیط بین‌المللی با ثبات و صلح آمیز سوق داده است. چین، با تمام قدرت در صحنه بین‌المللی ظاهر شده و اقتصاد آن به موتور رشد اقتصادی قاره آسیا تبدیل شده و محصولات چین، بازارهای آسیایی، اروپایی و امریکای شمالی را تسخیر کرده است. ملی‌گرایی مدرن چینی و دستاوردهای اقتصادی و فرهنگی، چین را به یکی از قدرتهای اصلی در آسیای خاوری و یکی از بازیگران بزرگ در جهان تبدیل کرده است. روند رشد اقتصادی چین به اندازه‌ای رسیده که مقامات آن کشور را نگران ساخته تا اقدامات جدی و موثری برای آهسته کردن روند رشد چین به عمل آورند. اکنون، استراتژی چین بر گسترش نفوذ خود بر پایه قدرت اقتصادی تمرکز یافته است. چین، در پهنه ژئوپلیتیک، به بهره‌گیری از دیپلماسی - به جای زور - گرایش بیشتری نشان می‌دهد. با توجه به موارد مطرح شده در بالا، بزرگترین چالشهای فراروی چین و دیگر کشورهای در حال توسعه در روند جهانی شدن، دستیابی به علوم و فنون پیشرفته؛ تحول در ساختارهای اقتصادی و تأمین نیروی انسانی مناسب است. علوم و فنون پیشرفته، به‌عنوان مهمترین عامل تولید و توسعه، جایگزین نقش کارگران در حکومتهای شوروی سابق و زمامداری مائو در چین گردیده است. تحول در ساختارهای اقتصادی از دیگر چالشهای مهم است. تبدیل نهادهای اقتصادی دولتی به خصوصی، گام بزرگی در این زمینه به‌شمار می‌آید و تلاشهای چین در دو دهه اخیر بر آن متمرکز بوده است. عملکرد اقتصادی باید شفاف و بدون دخالت عوامل غیراقتصادی، مثل ایدئولوژی، باشد و به این وسیله اعتماد سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی را جلب کند و بازاری یکپارچه

در مورد شرکتهای خارجی را به تصویب رساند که همین عامل، مشوقی جدی برای سرمایه گذاری شرکتهای خارجی در چین بود.

دنگ شیائوپینگ در اوایل دهه ۱۹۸۰، استراتژی جدید بین المللی چین را در شعار صلح و پیشرفت خلاصه کرد. این عبارت در تضاد با شعار مائوتسه تونگ؛ یعنی خط بین المللی جنگ و انقلاب بود. در حالی که مائو در امور بین المللی، رهیافت مقابله‌ی پرخطر و پرهزینه‌ی راهبری می کرد و در پی متحول ساختن کامل چین و نظم بین المللی بود، رهیافت دنگ، از منازعات ایدئولوژیک پرهیز کرده و نمی خواهد چین را درگیر موضوعاتی کند که با منافع کنونی آن ارتباطی ندارد. علاوه بر این، دنگ خواهان حفظ روابط خوب با همه کشورهای است، بویژه آنهایی که توانایی کمک به توسعه چین را دارند، مثل کشورهای سرمایه داری غرب؛ که ثروتمند و از نظر تکنولوژی پیشرفته هستند. دنگ، به طور نظام مند روابط خارجی چین را کاملاً دگرگون ساخت و آن را به سمت اقتصاد و نیروی نظامی نوین هدایت کرد. این رهیافت، به وسیله دو جانشین دنگ، یعنی جیانگ زمین و هو جین تائو ادامه یافت. دنگ و پیروانش، به این نتیجه رسیده بودند که نظامی شدن جامعه و اقتصاد چین به دست مائو و رهیافت ایدئولوژیک و مقابله جویانه اش در پهنه بین المللی، چین را نیرومندتر و ثروتمندتر نساخت، بلکه، ضعیفتر و فقیرتر کرد. رهبران چین پس از مائو به این نتیجه رسیدند که تا هنگامی که چین غیر نظامی نشود، کنترل بر زندگی مردم کاهش نیابد و منابع بیشتری برای بهبود استانداردهای زندگی هزینه نشود، حزب کمونیست چین آینده‌ی روشن نخواهد داشت.

فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، به علت نظامی شدن اقتصاد بود و این انگیزه‌ی شد که دنگ و پیروانش، بر جلوگیری از نظامی شدن اقتصاد پافشاری کنند. تغییر موضع از جنگ و انقلاب، به صلح و توسعه، با این که مائو تمام منابع ممکن را بر تقویت توانمندیهای نظامی چین متمرکز کرده بود، کار بسیار مهمی بود. دنگ و پیروانش نقش کلیدی بهره‌وری اقتصادی و کارایی، تولید درآمد، سطوح عالی تحصیلی، تأثیر گذاری و

○ نظامی شدن جامعه و اقتصاد چین به دست مائو و رهیافت ایدئولوژیک و مقابله جویانه اش در پهنه بین المللی، چین را نیرومندتر و ثروتمندتر نساخت، بلکه، ضعیفتر و فقیرتر کرد. رهبران چین پس از مائو به این نتیجه رسیدند که تا هنگامی که چین غیر نظامی نشود، کنترل بر زندگی مردم کاهش نیابد و منابع بیشتری برای بهبود استانداردهای زندگی هزینه نشود، حزب کمونیست چین آینده‌ی روشن نخواهد داشت.

۸۰ درصد مردم، در سطح بیش از ۹ میلیون متر مربع زمین، کشاورزی می کردند. پس از انقلاب و تشکیل جمهوری خلق چین، رهبران تصمیم به سوسیالیستی کردن اقتصاد و تعقیب اهداف توسعه و رشد اقتصادی ملی تا مرزیک کشور قدرتمند و پیشرفته گرفتند. آنها، با توجه به اهداف توسعه طلبانه و ایدئولوژیک رشد اقتصادی چین، تصمیم به ارتقای اقتصاد سوسیالیستی با استفاده از سرمایه و تکنولوژی دنیای پیشرفته و ترکیب آن با اقتصاد آزاد گرفتند. قبل از سال ۱۹۷۹، اقتصاد کاملاً متمرکز دولتی کنترل سه چهارم تولیدات را در دست داشت. آغاز اصلاحات اقتصادی، از سال ۱۹۷۹، با تأسیس چهار منطقه آزاد تجاری برای جلب سرمایه گذاران خارجی و حذف تدریجی کنترل دولتی قیمت‌ها صورت گرفت. در این میان، نقش رهبری دنگ شیائوپینگ - که از مهارت و سیاست کم نظیری برخوردار بود - مارکسیسم خاص چین و نظام سرمایه داری را آشتی داد و سوسیالیسم مبتنی بر بازار آزاد، از ابتکارات خاص او است. چین، سیاست درهای باز را در سال ۱۹۸۱، به صورت قانون جمهوری خلق چین مربوط به قراردادهای اقتصادی، مالیات بر درآمد

ساله توسعه ملی و تجدید ساختار بخشی از اقتصاد خود، توانسته است با استفاده از ابزارهایی نظیر ایجاد انگیزه کسب درآمد بیشتر، جذب سرمایه‌گذاری خارجی، اجرای سیاست درهای باز و آزادسازی اقتصاد، بهبود محیط کار و سرمایه‌گذاری خصوصی، ایجاد مناطق ویژه اقتصادی و مدیریت اقتصاد کلان، به موفقیت‌های چشمگیری دست یابد.

روند اصلاحات در چین

در حال حاضر، روند اصلاحات در چین بر دو اصل بنیادین استوار است: ۱- پیشبرد اصلاحات اقتصادی و تداوم و تعمیق سیاست درهای باز ۲- حفظ ثبات و آرامش سیاسی و اجتماعی و وحدت و یکپارچگی ملی برای تداوم اصلاحات.

از ابتدای سال ۱۹۷۸؛ رهبران چین سعی کردند اقتصاد کشور را از حالت سوسیالیستی محض و کنترل کامل دولت، به حالتی تبدیل کنند که بازار نقش بیشتری در آن داشته باشد. این اصلاحات اقتصادی و سیاست درهای باز، که تاکنون از رشد و شتاب قابل ملاحظه‌یی برخوردار بوده، از طریق توسعه تجارت خارجی، اصلاحات عمل‌گرایانه و ایجاد زیرساخت‌های اقتصادی مناسب، از

انعطاف‌پذیری سازمانی، اهمیت ابتکارات فردی و کارآفرینی و مشارکت در اقتصاد جهانی را دریافته‌اند که به طور بالقوه بسیار پر بازده است. رهبران چینی پیرو دنگ، نیز متوجه شدند که روابط رودرویی با کشورهای سرمایه‌داری پیشرفته، مانع از تلاش‌های آنها برای به دست آوردن فناوری‌های پیشرفته و دانش علمی از آن کشورها می‌شود.

دیگر مؤلفه مهم استراتژی چین، اجتناب از رویارویی با ایالات متحده آمریکا است. دنگ، پایداری غلبه جهانی این کشور پس از جنگ دوم جهانی را دریافت. او، به این نتیجه رسید که اگر چین بخواهد از منابع کشورهای سرمایه‌داری پیشرفته برای نو کردن چین کمک بگیرد، باید روابط خویش را با کشورهای سرمایه‌داری اصلی - بویژه آمریکا - حفظ کند. با اتحاد چین و ایالات متحده آمریکا، در مقابله جهانی علیه اتحاد شوروی، دنگ سطوح بالای همکاری آمریکا برای مدرن کردن چین را به دست آورد. دسترسی به بازارهای مصرف کالای آمریکا، فناوری، تحصیلات عالی و دانش علمی پیشرفته، سرمایه‌گذاری و همچنین حمایت همه‌جانبه نهادهایی مثل بانک جهانی را به دست آورد. پایان جنگ سرد، این استراتژی را در هم ریخت. اما، بعد از مجادله‌های فراوان در داخل حزب کمونیست چین، همکاری با آمریکا ادامه یافت. حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، فرصت‌های همکاری استراتژیک بین دو کشور را افزایش داد.

چین در سال ۱۹۷۸، روند تدریجی آزادسازی اقتصاد را آغاز کرد و در سال ۱۹۹۲ آن را تقویت نمود. صنایع چین، در خلال جنگ جهانی اول، به دلیل قطع شدن واردات کالاهای مصرفی، پیشرفت زیادی کرد، که البته، پس از جنگ دوام زیادی نیامورد. رشد جدی صنایع چین، بین سالهای ۱۹۲۳ تا ۱۹۳۶ صورت گرفت. رشد سالانه صنعتی در سالهای مذکور، به طور متوسط ۸/۳ درصد بود. افزایش سرمایه‌گذاری خارجی به طور مرتب ادامه یافت. روند رو به رشد سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و صادرات کالاها و خدمات به بازارهای جهانی؛ باعث رشد اقتصاد چین گردید. چین، با اجرای برنامه‌های پنج

○ اصلاحات عمل‌گرایانه و ایجاد

زیرساخت‌های اقتصادی مناسب، از مهمترین دلایل رشد ۸ تا ۹/۵ درصدی تولید ناخالص داخلی چین بوده است. افزایش صادرات و موازنه تجاری مثبت باعث شد تا چین از نظر ذخایر ارزی تا پایان سال ۲۰۰۵، پس از ژاپن، مقام دوم جهانی را در اختیار بگیرد. پیش‌بینی می‌شود که در فاصله سالهای ۲۰۱۰-۲۰۰۶ میلادی، تولید ناخالص داخلی چین ۷/۵ تا ۸ درصد رشد داشته باشد.

در این مناطق ۱۵ درصد است، در حالی که در سایر مناطق چین ۳۳ درصد است.

رشد اقتصادی چین از زمان اصلاحات (۱۹۷۹)

تا سال ۲۰۰۵ میلادی

میانگین رشد سالانه تولید ناخالص داخلی چین بین سالهای ۱۹۷۹ تا ۲۰۰۵، ۹/۶ درصد برآورد شده و در سال ۲۰۰۵، ۹/۸ درصد بوده است. جدول شماره یک، متوسط نرخ رشد سالانه تولید ناخالص داخلی چین در سالهای ۱۹۶۰ تا ۲۰۰۵ را نشان می‌دهد (Morrison: 2006):

جدول ۱- نرخ رشد سالانه تولید ناخالص داخلی چین در سالهای ۱۹۶۰-۲۰۰۵ میلادی

دوره زمانی	نرخ رشد (درصد)
(پیش از اصلاحات) ۱۹۶۰-۱۹۷۸	۵/۳
(پس از اصلاحات) ۱۹۷۹-۲۰۰۵	۹/۷
۱۹۹۰	۳/۸
۱۹۹۱	۹/۳
۱۹۹۲	۱۴/۲
۱۹۹۳	۱۴/۰
۱۹۹۴	۱۳/۱
۱۹۹۵	۱۰/۹
۱۹۹۶	۱۰/۰
۱۹۹۷	۹/۳
۱۹۹۸	۷/۸
۱۹۹۹	۷/۶
۲۰۰۰	۸/۴
۲۰۰۱	۸/۳
۲۰۰۲	۹/۱
۲۰۰۳	۱۰/۰
۲۰۰۴	۱۰/۱
۲۰۰۵	۹/۸

عوامل رشد اقتصادی چین

دو عامل اصلی رشد اقتصادی چین؛ عبارت است

مهمترین دلایل رشد ۸ تا ۹/۵ درصدی تولید ناخالص داخلی چین بوده است. افزایش صادرات و موازنه تجاری مثبت باعث شد تا چین از نظر ذخایر ارزی تا پایان سال ۲۰۰۵، پس از ژاپن، مقام دوم جهانی را در اختیار بگیرد. پیش بینی می‌شود که در فاصله سالهای ۲۰۱۰-۲۰۰۶ میلادی، تولید ناخالص داخلی چین ۷/۵ تا ۸ درصد رشد داشته باشد. یکی از عناصر کلیدی برنامه‌های پنج ساله چین، سرمایه‌گذاری در بخشهای زیربنایی؛ شامل راهسازی، راه آهن، فرودگاه، ارتباطات الکترونیکی، نفت و گاز و بخش معدن است. سیاست جاری دولت چین، بر این مسأله تأکید دارد؛ برای کنترل تورم لازم است که تعداد طرح‌هایی را که توسط دولت حمایت و پشتیبانی می‌شود، محدود کند و تنها به تعدادی طرح محدود دولتی اجازه فعالیت دهد و سرمایه‌های داخلی را برای فعالیتهای طرح‌های زیربنایی به کار بندد. با این حال، یکی از مشکلات عمده اقتصادی این کشور، انحصارات دولتی است که برنامه‌هایی از سوی دولت برای شکستن این انحصارات پیش بینی شده است. از سال ۱۹۹۴، چندین بانک دولتی برای تأمین مالی پروژه‌های اقتصادی در راستای برنامه‌های پنج ساله اقتصادی، تأسیس شده که از آن جمله بانک دولتی چین، بانک کشاورزی چین و بانک صادرات و واردات چین است. البته، نظام بانکی چین، متناسب با رشد اقتصادی آن، توسعه پیدا نکرده است. برای حل این مسأله، از سال ۲۰۰۱ به بانکهای خارجی اجازه فعالیت بانکی در چین داده شد. همزمان با اعلام سیاست اصلاحات و درهای باز و به منظور سرعت بخشیدن به برنامه‌های نوسازی کشور و استفاده از فناوری، سرمایه و دانش فنی و مدیریت خارجی؛ این کشور چهار منطقه ساحلی را به عنوان مناطق ویژه اقتصادی اعلام کرد، که این مناطق، بعدها به پنج منطقه افزایش یافت. در این مناطق، شرکت‌های خارجی می‌توانند خارج از مقررات داخلی چین، بر اساس نظام سرمایه‌داری و مقررات ویژه این مناطق، سرمایه‌گذاری کنند و از معافیت ویژه مالیاتی بهره‌مند شوند. در این مناطق، به منظور جذب سرمایه‌های خارجی، سیاست‌های تشویقی و تسهیلات ویژه‌ی در نظر گرفته شده، که از جمله، نرخ مالیات بر درآمد شرکت‌های خارجی

○ اقتصاددانان معتقدند که رشد اقتصادی

چین، تنها در صورتی ادامه خواهد یافت که اصلاحات اقتصادی نیز ادامه یابد، و گرنه رشد اقتصادی در آینده با خطر روبه‌رو خواهد شد.

قیمت بسیاری از کالاها و خدمات در چین نسبت به ایالات متحده و دیگر کشورهای پیشرفته، نرخ ارز PPP، حجم اقتصاد چین را از ۱/۹ تریلیون دلار (نرخ اسمی دلار) به ۸/۱ تریلیون دلار افزایش می‌دهد (دلار PPP)، که نسبت به تولید ناخالص داخلی ژاپن براساس PPP (۴ تریلیون دلار) بیشتر است و حدود ۶۵ درصد حجم اقتصاد آمریکا را تشکیل می‌دهد. براساس داده‌های PPP، سرانه تولید ناخالص داخلی چین^۲ به ۶۲۱۰ دلار می‌رسد و سرانه تولید ناخالص داخلی چین براساس PPP، ۱۴/۷ درصد آمریکا است. بنابراین، حتی اگر GDP چین در یک یا دو دهه آینده پیشی بگیرد، استانداردهای زندگی، به‌طور محسوسی در سالهای آینده از آمریکا پایینتر خواهد بود. جدول شماره (۲)، GDP و سرانه GDP سه کشور ایالات متحده، ژاپن و چین را به دلار اسمی و دلار PPP، در سال ۲۰۰۵ مقایسه کرده است (Morrison: 2006):

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در چین (FDI)^۳

اصلاحات تجاری و اقتصادی در چین، به رشد سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی منتهی شد که یکی از منابع اصلی سرمایه در چین بوده است. مبلغ FDI در چین، از ۶۳۶ میلیون دلار در سال ۱۹۸۳، به ۶۱ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۴ و ۵۸ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۵ رسیده است. مجموع FDI در چین، در پایان سال ۲۰۰۵، ۶۱۸ میلیارد دلار بوده و پیش‌بینی می‌شود که با کمتر شدن موانع سرمایه‌گذاری تحت تعهدات WTO و تقاضای چینی‌ها برای افزایش واردات، رشد FDI ادامه یابد. براساس آمار مندرج در جدول شماره (۳)، بین سالهای ۲۰۰۴-۱۹۷۹، حدود ۴۳ درصد FDI

از سرمایه‌گذاری وسیع داخلی و خارجی و رشد سریع تولیدات. به‌طور کلی، علل و عوامل پیشرفت اقتصادی چین - بخصوص بعد از به اجرا در آمدن سیاست درهای باز در سال ۱۹۸۱ - را می‌توان در موارد زیر خلاصه نمود:

۱- تقسیم کشور به دو بازار کاملاً مجزا از هم؛ بازار آزاد و بازار کنترل شده، که بازارهای آزاد آن، فارغ از هر گونه قانونی که در داخل کشور جریان دارد، فعالیت می‌کنند. برخی از اهداف تأسیس این بازارها، چنین است:

- ورود فناوریهای پیشرفته و دانش فنی.
 - جلب سرمایه‌گذاری خارجی برای تأمین مالی برنامه‌نوسازی کشور.
 - توسعه امور مالی و تبدیل چین به قطب مالی مطمئن در منطقه.
 - توسعه صنایع داخلی در جوار صنایع خارجی.
 - توسعه امور توریستی، صنایع خدماتی، خانه‌سازی، کشاورزی و دامپروری.
- ۲- گسترش فرهنگ صادرات و حمایت ارزی دولت از شرکت‌های بازرگانی خارجی.
- ۳- اتخاذ نظام آزاد سرمایه‌گذاری خارجی.
- ۴- کاهش موانع تعرفه‌یی.
- ۵- کوچکتر کردن حجم دولت.

اندازه‌گیری حجم اقتصاد چین

حجم واقعی اقتصاد چین، از موضوعات مورد بحث اقتصاددانان و محافل اقتصادی است. تولید ناخالص داخلی چین در سال ۲۰۰۵ حدود ۱/۹ تریلیون دلار محاسبه شده و سرانه تولید ناخالص داخلی ۱۴۶۰ دلار بوده است. این آمار نشان می‌دهد که اقتصاد چین و استانداردهای زندگی آن نسبت به ایالات متحده، به‌عنوان اقتصاد اول و ژاپن به‌عنوان اقتصاد دوم جهان، به‌مراتب پایینتر است. برای ارزیابی درست اقتصاد چین، اقتصاددانان از معیار مقایسه قدرت خرید (PPP)^۱ استفاده می‌کنند. این روش، ارزهای خارجی را براساس قدرت واقعی خرید آنها به دلار تبدیل می‌کند. (قیمت کالا و خدمات مختلف در هر کشور). به دلیل پایین بودن

۲۰۰۵ رسیده، در حالی که، واردات هم در همان دوره، از ۱۶ میلیارد دلار، به ۶۶۰ میلیارد دلار رسیده است. در سال ۲۰۰۴، چین، ژاپن را پشت سر گذاشت و بعد از امریکا و آلمان، به عنوان سومین اقتصاد تجاری بزرگ دنیا مطرح گردید. از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۵، حجم صادرات و واردات چین، بیش از دو برابر شد (جدول شماره ۴). در سال ۲۰۰۵، صادرات و واردات؛ به ترتیب ۲۸/۴ درصد و ۱۷/۶ درصد افزایش پیدا کرد و مازاد تجاری چین - که در سال ۲۰۰۴، ۳۲ میلیارد دلار بود - در سال ۲۰۰۵، به ۱۰۲ میلیارد دلار رسید (Morrison: 2006):

حجم عظیم تجارت کالا، سرمایه گذاری مستقیم خارجی و ثابت نگاه داشتن نرخ دلار، چین را قادر به انباشت دومین ذخایر ارزی جهان، بعد از ژاپن، نموده

○ با وجود اصلاحات اقتصادی چین، هنوز يك سوم اقتصاد آن کشور دولتی است و به گونه مستقیم از سوی دولت کنترل می شود.

چین از طریق هنگ کنگ آمده و ایالات متحده امریکا، با ۸/۵ درصد (۴۸ میلیارد دلار) رتبه دوم را داشته است.

تجارت جهانی کالاهای چینی

اصلاحات اقتصادی؛ چین را به يك قدرت بزرگ تجاری تبدیل کرده است. صادرات چین، از ۱۴ میلیارد دلار در سال ۱۹۷۹، به ۷۶۲ میلیارد دلار در سال

جدول ۲- مقایسه برخی از عوامل اقتصادی سه کشور در سال ۲۰۰۵ میلادی

کشور	GDP اسمی (میلیارد دلار)	GDP in PPP (میلیارد دلار)	سرانه GDP اسمی (دلار)	سرانه GDP به PPP (دلار)
ایالات متحده	۱۲/۴۷۳	۱۲/۴۷۳	۴۲/۱۸۰	۴۲/۱۸۰
ژاپن	۴/۶۰۵	۴/۰۲۱	۳۶/۱۵۰	۳۱/۵۶۰
چین	۱/۹۱۲	۸/۱۱۶	۱/۴۶۰	۶/۲۱۰

جدول ۳- سرمایه گذاری مستقیم خارجی در چین در فاصله سالهای ۲۰۰۴-۱۹۷۴

نام کشور	مجموع FDI ۱۹۷۹-۲۰۰۴ (میلیارد دلار)		FDI در سال ۲۰۰۴	
	مبلغ	درصد	مبلغ	درصد
مجموع	۵۶۳/۸	۱۰۰/۰	۶۴/۰	۱۰۰/۰
هنگ کنگ	۲۴۱/۶	۴۲/۹	۱۹/۰	۲۹/۷
ایالات متحده	۴۸/۰	۸/۵	۳/۹	۶/۱
ژاپن	۴۶/۸	۸/۳	۵/۵	۸/۶
تایوان	۳۹/۶	۷/۰	۳/۱	۴/۸
جزایر انگلیسی Virgin	۳۶/۹	۶/۵	۶/۷	۱۰/۵
کره جنوبی	۲۵/۹	۴/۶	۶/۲	۹/۷

است. همان طوری که در نمودار (۱) دیده می شود، مجموع ذخایر ارزی چین در آخر سپتامبر ۲۰۰۵، به ۷۶۹ میلیارد دلار رسیده است، که نسبت به مدت مشابه در سال ۲۰۰۴، نزدیک به ۵۰ درصد افزایش یافته است (Morrison: 2006):

شرکای اصلی تجاری چین

آمار صادرات و واردات چین، نسبت به آمار شرکای تجاری اش بسیار متفاوت است. علت این تفاوت این است که مقدار زیادی از واردات و صادرات چین از طریق هنگ کنگ صورت می گیرد، که در سال ۱۹۹۷ تحت حاکمیت چین قرار گرفته است. با وجودی که هنگ کنگ توسط بیشتر کشورها شامل خود چین و امریکا به عنوان یک منطقه گمرکی مجزا در نظر گرفته می شود؛ چین صادرات از طریق هنگ کنگ را به عنوان صادرات به هنگ کنگ در نظر می گیرد. در حالی که، بیشتر کشورها واردات چین از طریق هنگ کنگ را با مبدأ چین محاسبه می کنند. جدول شماره (۵)، پنج شریک اصلی چین در تجارت را در سال ۲۰۰۴ را نشان می دهد (Morrison: 2006):

واردات و صادرات چین

پنج قلم از واردات مهم چین در سال ۲۰۰۴، شامل: ماشینهای الکتریکی و قطعات آنها، ماشینهای بخار، لوازم مکانیکی و قطعات آنها، نفت خام، پلاستیک و مواد شیمیایی (جدول ۶). پنج قلم از صادرات اصلی چین در سال ۲۰۰۴ (جدول ۷)، شامل: ماشینهای بخار، لوازم مکانیکی و قطعات آنها، ماشینهای الکتریکی و قطعات آنها، منسوجات، مبلمان، تختخواب، لامپ و تجهیزات بصری، پزشکی و قطعات آنها (Morrison: 2006):

چالشهای رودر روی اقتصاد چین

اقتصاددانان معتقدند که رشد اقتصادی چین، تنها در صورتی ادامه خواهد یافت که اصلاحات اقتصادی نیز ادامه یابد و گر نه رشد اقتصادی در آینده با خطر روبه رو خواهد شد. چالشهایی که اقتصاد چین با آن روبه رو است، عبارت است از:

جدول ۶- تجارت جهانی کالاهای چینی در سالهای ۲۰۰۵-۱۹۷۹

(میلیارد دلار)

سال	تراز بازرگانی	واردات	صادرات
۱۹۷۹	-۲/۰	۱۵/۷	۱۳/۷
۱۹۸۰	-۱/۴	۱۹/۵	۱۸/۱
۱۹۸۱	-۰/۱	۲۱/۶	۲۱/۵
۱۹۸۲	۲/۹	۱۸/۹	۲۱/۹
۱۹۸۳	۰/۸	۲۱/۳	۲۲/۱
۱۹۸۴	-۱/۱	۲۶/۰	۲۴/۸
۱۹۸۵	-۱۵/۳	۴۲/۵	۲۷/۳
۱۹۸۶	-۱۱/۹	۴۳/۲	۳۱/۴
۱۹۸۷	-۳/۸	۴۳/۲	۳۹/۴
۱۹۸۸	-۷/۷	۵۵/۳	۴۷/۶
۱۹۸۹	-۶/۲	۵۹/۱	۵۲/۹
۱۹۹۰	۹/۰	۵۳/۹	۶۲/۹
۱۹۹۱	۸/۱	۶۳/۹	۷۱/۹
۱۹۹۲	۳/۶	۸۱/۸	۸۵/۵
۱۹۹۳	-۱۱/۹	۱۰۳/۶	۹۱/۶
۱۹۹۴	۵/۲	۱۱۵/۶	۱۲۰/۸
۱۹۹۵	۱۶/۷	۱۳۲/۱	۱۴۸/۸
۱۹۹۶	۱۲/۳	۱۳۸/۸	۱۵۱/۱
۱۹۹۷	۴۰/۵	۱۴۲/۲	۱۸۲/۷
۱۹۹۸	۴۳/۶	۱۴۰/۲	۱۸۳/۸
۱۹۹۹	۲۹/۱	۱۶۵/۸	۱۹۴/۹
۲۰۰۰	۲۴/۱	۲۲۵/۱	۲۴۹/۲
۲۰۰۱	۲۲/۶	۲۴۳/۶	۲۶۶/۲
۲۰۰۲	۳۰/۴	۲۹۵/۲	۳۲۵/۶
۲۰۰۳	۲۵/۶	۴۱۲/۸	۴۳۸/۴
۲۰۰۴	۳۲/۰	۵۶۱/۴	۵۹۳/۴
۲۰۰۵	۱۰۱/۹	۶۶۰/۱	۷۶۲/۰

گزارش هشدار می دهد که این شکاف طبقاتی ثبات اجتماعی را تهدید می کند. گزارش، بر رسیدگی بیشتر به روستاها و مردم فقیر آن، آموزش و پرورش، بهداشت و امنیت اجتماعی آنها تأکید دارد.

۴- خلأ حکومت قانون در چین باعث گسترش فساد دولتی، احتکار مالی و تخصیص اشتباه منابع سرمایه گذاری شده است. در بسیاری از موارد، ارتباطات دولتی، جای عملکردهای بازار را گرفته است. عدم اجرای قانون، باعث کاهش رقابت و عدم کارایی کالا و خدمات در اقتصاد می شود.

نتیجه گیری و چشم انداز آینده اقتصاد چین

با آغاز اصلاحات اقتصادی در سال ۱۹۸۱ از طرف دنگ شیائوپینگ، نظام اقتصادی چین به سمت اقتصاد بازار و سیاست درهای باز خیز برداشت و این اصلاحات، هنوز بعد از ۲۵ سال ادامه دارد. سوسیالیسم مبتنی بر بازار آزاد، از ابتکارات خاص دنگ است. آشتی سرمایه داری و کمونیسم در چین، هر چند که تدریجی و گام به گام بوده، اما، واقعیتی است انکار ناپذیر. رهبران چین به واقعیتهایی توجه کردند که در اتحاد جماهیر شوروی نادیده گرفته شد و به سقوط دومین قدرت جهانی منتهی گردید. دکترین جیانگزمین، چین را از انحصار کمونیستهای سنتی بیرون آورد و راه را برای ورود سرمایه داران به حزب کمونیست هموار کرد. چین، بعد از کنگره شانزدهم، ترکیبی هوشمندانه از نظام سوسیالیستی خاص چین و نظام سرمایه داری را به تجربه گذاشت. اصلاحات

۱- شرکتهای دولتی: که یک سوم تولید کشور در اختیار آنها است و مورد حمایت دولت و سیستم یارانه ها است. اغلب این شرکتهای زیانده و ورشکسته است و زمینه بی از چالشهای مهم در اقتصاد چین است.

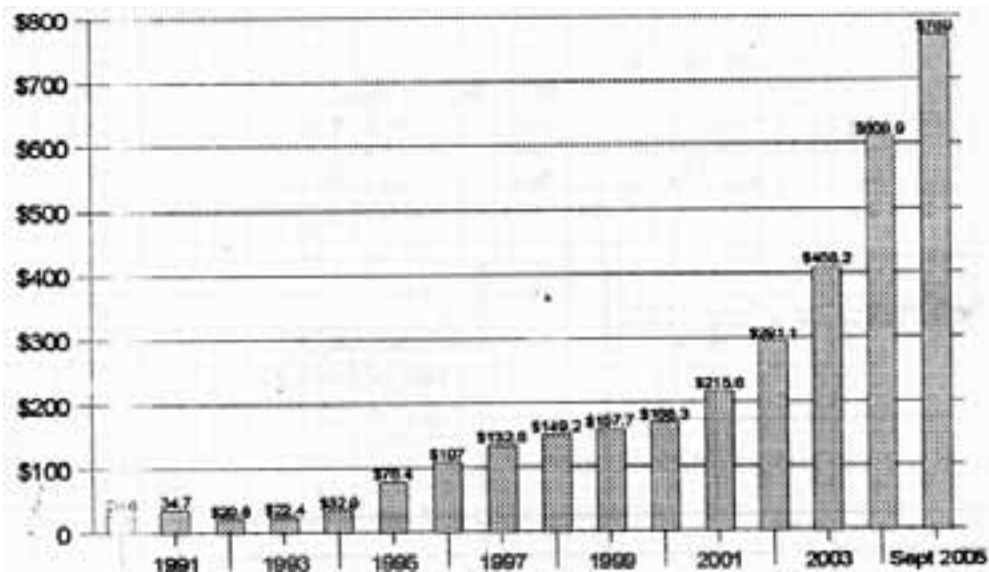
۲- سیستم بانکی: که با مشکلات مالی شرکتهای دولتی روبرو است. سیستم بانکی چین توسط دولت مرکزی کنترل می شود که نرخ سود را تعیین می کند و اعتباراتی برای شرکتهای چینی در نظر می گیرد و در واقع این سیستم از شرکتهای ورشکسته دولتی حمایت می کند. ۵۰ درصد وام بانکهای دولتی به شرکتهای دولتی تعلق می گیرد و درصد زیادی از این وامها بازپرداخت نمی شود. بر اساس آمار، حدود ۴۸۰ میلیارد دلار وام به این شرکتهای پرداخت شده که امکان بازپرداخت ندارند (۴۳ درصد GDP) و این تهدیدی برای سیستم بانکی چین محسوب می شود. فساد حاصل از این وامها - که با ارتباطات سیاسی انجام می گیرد - نیز چالش دیگری برای دولت چین محسوب می شود.

۳- آلودگی، فساد دولتی و توزیع ناعادلانه درآمدها، تهدیدی برای ثبات اجتماعی چین است. بر اساس گزارش دولت چین، بیش از ۷۴۰۰۰ اعتراض (که بیشتر آنها با خشونت همراه بوده)، شامل ۳/۸ میلیون نفر از مردم در سال ۲۰۰۴ (در مقایسه با ۵۳۰۰۰۰ اعتراض در سال ۲۰۰۳)، در برخورد با فساد دولتی و آلودگی صورت گرفته است. بر اساس گزارش بانک جهانی؛ از ۲۰ شهر آلوده جهان، ۱۶ شهر در کشور چین قرار دارد و هزینه و زیانهای آن، بالغ بر صدها میلیارد دلار در سال تخمین زده می شود. حدود ۳۰۰ میلیون نفر از جمعیت مناطق روستایی، از آب غیر بهداشتی استفاده می کنند. در ماههای اخیر، فاضلاب سمی، منابع آب میلیونها چینی را مورد تهدید قرار داده است. رشد نابرابر درآمدها، بویژه بین مردم سواحل شهری و مناطق روستایی چین، از دیگر موارد تنشزای اجتماعی است. اعتراضات روستاییان به ثروتمند شدن کسانی که با مقامات دولتی ارتباط دارند و عدم رفاه روستاییان در مقایسه با آنها تشدید شده است و بر اساس گزارش سال ۲۰۰۵ سازمان ملل، شکاف درآمدی بین مناطق شهری و روستایی، به بیشترین مقدار خود رسیده است. این

○ رشد سریع اقتصادی چین و تداوم گسترش تولیدات صنعتی آن، تقاضا برای انرژی و مواد خام را سخت افزایش داده است که عامل مهمی در تعیین قیمتهای جهانی چنین کالاهایی است.

نمودار (۱) ذخایر ارزی چین از ۱۹۹۰ تا سپتامبر ۲۰۰۵

میلیارد دلار



پنج ساله، از عدالت اجتماعی و توزیع عادلانه تر درآمد ملی و کم کردن فاصله طبقاتی میان مناطق مختلف کشور بحث شده است. گسترش خدمات بهداشتی و درمانی و افزایش دوران آموزش اجباری به ۹ سال، از مواد این برنامه است. رهبران چین، در پی فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، تصمیم گرفتند که دروازه های کشور را به روی سرمایه های خارجی باز کنند. اما، با این استدلال که تغییر سریع ساختارهای قدرت سیاسی، می تواند توازن قوا را برهم زند، در مسیر اصلاحات سیاسی اقدامات مؤثری انجام ندادند. به نظر نمی رسد که کنترل دولتی، به زودی از صحنه اقتصاد چین به طور کامل رخت بر بندد. اما، ادامه روند اصلاحات اقتصادی، اجتناب ناپذیر است. با این وجود، مشکلات و چالش های پیش روی اقتصاد چین، دولت مردان چینی را از احتمال سقوط و فروپاشی اقتصادی و اجتماعی چین نگران ساخته است. به نظر می رسد که کشورهای سرمایه داری غرب و بویژه آمریکا، برای جلوگیری از فروپاشی اقتصادی و اجتماعی چین و قدرت گرفتن ناسیونالیست های چینی، همکاری و تعامل نزدیکی با چین دارند و آمار و شاخص های اقتصادی نیز این امر را

اقتصادی، همراه با رویکرد جدید چین در سیاست خارجی، امکان ترقی و پیشرفت را با ابتکار نسل جدید رهبران چین به سمت شکوفایی اقتصادی و مطرح شدن به عنوان یک قدرت بزرگ منطقه ای و بین المللی فراهم کرده است. با وجود اصلاحات اقتصادی چین، هنوز یک سوم اقتصاد آن کشور دولتی است و به گونه مستقیم از سوی دولت کنترل می شود. با روی کار آمدن دولت هو جین تائو و روند تدریجی اصلاحات اقتصادی، این امکان وجود دارد که باقیمانده شرکت های دولتی نیز به تدریج به سمت خصوصی سازی حرکت نمایند. در حال حاضر، نظام اقتصادی چین به سمت اقتصاد سرمایه داری هدایت شده گام بر می دارد. برنامه پنج ساله هو جین تائو، از طرف کمیته مرکزی حزب کمونیست چین مورد تصویب قرار گرفت. با تصویب این برنامه، رهبری چین کنترل اقتصاد کشور را بیشتر از دست می دهد. با وجود رشد اقتصادی بسیار بالای چین، میلیون ها کشاورز چینی، در سال های اخیر، به کارگران مهاجر تبدیل شده اند. بر اساس برنامه پنج ساله جدید، پیش بینی می شود که درآمد سرانه مردم این کشور در سال ۲۰۱۰، به دو برابر سال ۲۰۰۰ برسد. در برنامه

مورد تأیید قرار می‌دهد.

به نظر می‌رسد؛ اقتصاد چین در کوتاه مدت روبه‌رشد است. اما، به شدت تحت تأثیر قدرت دولت در اصلاح شرکتهای دولتی و سیستم بانکی است که باید مسوولیت بیشتری در قبال بازار و اجرای کامل تعهدات W.T.O. و حمایت از کارگران بیکار - جهت حفظ ثبات اجتماعی - داشته باشد. چشم‌انداز آینده، رشد متوسط ۸ درصدی GDP چین را نشان می‌دهد که از دو برابر شدن اقتصاد چین تا ۱۰ سال آینده خبر می‌دهد. چین تا سال ۲۰۱۰، بزرگترین صادرکننده و تا سال ۲۰۲۰، بزرگترین اقتصاد دنیا را خواهد داشت.

ظهور چین، به عنوان یک ابر قدرت، هم فرصت و هم چالشی برای آمریکا و سیستم تجارت جهانی محسوب می‌شود. رشد سریع اقتصادی چین، درآمدها را بالا می‌برد و چین را به بازار بزرگ کالا و خدمات تبدیل می‌کند. بعلاوه، نیروی کار ارزان شرکتهای چندملیتی را ترغیب می‌کند که صنایع خود را به چین منتقل کنند و تولید را در چین انجام دهند که این باعث کاهش قیمتها برای مصرف‌کننده‌ها می‌شود و قدرت خرید آنها را بالا می‌برد. بسیاری از تحلیلگران معتقدند که سیاست ارزی چین، با وجود اصلاحات ژولای ۲۰۰۵، تأثیر منفی در اقتصاد و شرکای تجاری چین برجای می‌گذارد. بنابراین، چین از طرف شرکای تجاری خود تحت فشار قرار دارد که سیستم ارز را شناور کند. در حال حاضر، صادرات با ارز ارزاتر و واردات با ارز گرانتر، صورت می‌گیرد. بعضی از مقامات کنگره آمریکا، با وضع تعرفه ۲۷/۵ درصدی بر کالاهای چینی، تأکید دارند. مگر این که چین سیستم ارز شناور را بپذیرد.

چین، برای تأسیس شرکتهای بزرگ قابل رقابت در بازار جهانی تلاش می‌کند. چین، در بعضی موارد اقدام به خرید شرکتهای بزرگ خارجی کرده است. به عنوان مثال، در دسامبر ۲۰۰۴، شرکت دولتی LENORO چین، واحد کامپیوترهای شخصی کمپانی IBM را خرید. در ژوئن ۲۰۰۵، شرکت چینی CNOOC، سعی کرد شرکت UNOCAL آمریکا را که شرکت نفتی است، به قیمت ۱۸/۵ میلیارد دلار خریداری کند که با

اعتراض کنگره، منتفی شد. حجم ذخایر عظیم ارزی چین و آرزوی رهبری تولید کالا و کالاهای استراتژیکی جهان، دولت چین را به سمت خرید شرکتهای بین‌المللی سوق داده است. رشد سریع اقتصادی چین و ادامه گسترش تولیدات صنعتی آن، تقاضا برای انرژی و مواد خام را سخت افزایش داده است که عامل مهمی در تعیین قیمتتهای جهانی چین کالاهایی است. چین در حال حاضر، دومین مصرف‌کننده نفت جهان - پس از آمریکا - است (۶/۷ میلیون بشکه در روز) و تا سال ۲۰۲۵، به ۱۳/۴ میلیون بشکه در روز می‌رسد. همچنین، چین بزرگترین مصرف‌کننده فولاد، سیمان و مس است. طبق آخرین آمار بانک جهانی، ذخایر ارزی چین، ژاپن را پشت سر گذاشت و مقام نخست را در جهان به دست آورد. تهدیدهای حاصل از توقف خریدهای آینده و یا فروش ذخایر موجود، می‌تواند باعث افزایش نرخ سود در آمریکا شود و در نتیجه به رکود بورس و بازارهای مالی و کاهش رشد اقتصادی ایالات متحده آمریکا منجر خواهد شد. البته، هر کدام از این خسارات به اقتصاد آمریکا، اقتصاد چین را نیز تحت تأثیر قرار خواهد داد. زیرا، یک سوم صادرات چین به آمریکا وارد می‌شود.

رشد اقتصادی چین در سال ۲۰۰۵، ۹/۹ درصد و میزان ذخایر ارزی آن در حال حاضر، بیش از ۸۷۵ میلیارد دلار است. ۲۶ میلیون نفر زیر خط فقر زندگی می‌کنند و ۲۰۰ میلیون شهروند برای تأمین هزینه‌های زندگی، با مشکلات زیادی روبه‌رو هستند. پیش‌بینی رشد ۸ درصدی در سال ۲۰۰۶، افزایش بودجه نظامی تا ۱۵ درصد و به سطح ۳۵ میلیارد دلار رسیده است. سفر هو چین تائو به آمریکا و ملاقات با بیل گیتس در آغاز ورود به آمریکا و قرارداد خرید ۸۰ فروند بوئینگ و... نشان از ادامه روند اقتصادی این کشور دارد. با این وجود، بانک مرکزی چین برای جلوگیری از رشد بیش از اندازه اقتصاد، نرخ بهره سالانه را افزایش داده و به ۵/۸۵ درصد رساند. رشد ده درصدی اقتصاد، مقامات این کشور را به شدت نگران ساخته، زیرا، کمبود برق و انرژی از جمله پیامدهای این امر است. چین پنجمین اقتصاد بزرگ جهان محسوب

جدول ۵- شرکای عمده تجاری چین در سال ۲۰۰۴

(میلیارد دلار)

کشور	تراز بازرگانی	واردات	صادرات	کل تجارت
اتحادیه اروپا	۳۲/۵	۶۳/۴	۹۵/۹	۱۷۷/۳
ایالات متحده آمریکا	۸۰/۳	۴۴/۷	۱۲۵/۰	۱۶۹/۷
ژاپن	-۲۰/۹	۹۴/۴	۷۳/۵	۱۶۷/۹
هنگ کنگ	۸۹/۱	۱۱/۸	۱۰۰/۹	۱۱۲/۷
آ.سه. آن*	-۲۰/۱	۶۳/۰	۴۲/۹	۱۰۵/۹

* آ.سه. آن: اتحادیه کشورهای آسیای جنوب شرقی (ASEAN); شامل کشورهای اندونزی، مالزی، فیلیپین، سنگاپور، تایلند، برونئی، کامبوجیا، لائوس، میانمار و ویتنام است.

جدول ۶- واردات اصلی چین در سالهای مختلف

(میلیارد دلار)

۲۰۰۴/۲۰۰۳				گروه کالاها
۲۰۰۲	۲۰۰۳	۲۰۰۴	درصد تغییرات	
۲۶/۴	۴۱/۹	۶۱/۴	۴۶/۸	ماشینهای الکتریکی و تجهیزات و قطعات آنها، تجهیزات ضبط و تکثیر صدا، ضبط و تکثیر تلویزیونی و قطعات و لوازم یدکی
۲۱/۲	۲۹/۸	۳۸/۶	۲۹/۵	دیگهای بخار، ماشین آلات، لوازم مکانیکی و قطعات
۱۲/۸	۱۹/۸	۳۳/۹	۷۱/۱	نفت خام
۱۷/۴	۲۱/۰	۲۸/۱	۳۳/۴	پلاستیک
۱۱/۲	۱۶/۰	۲۳/۸	۴۸/۸	مواد آلی شیمیایی

جدول ۷- صادرات اصلی چین در سالهای مختلف

(میلیارد دلار)

۲۰۰۴/۲۰۰۳				گروه کالاها
۲۰۰۲	۲۰۰۳	۲۰۰۴	درصد تغییرات	
۵۰/۹	۸۳/۴	۱۱۸/۳	۴۱/۸	دیگهای بخار، ماشین آلات، لوازم مکانیکی و قطعات
۶۵/۲	۸۹/۰	۱۲۹/۷	۴۵/۷	ماشینهای الکتریکی و تجهیزات و قطعات آنها، تجهیزات ضبط و تکثیر صدا، ضبط و تکثیر تلویزیونی و قطعات و لوازم یدکی
۳۶/۶	۴۵/۸	۵۴/۸	۱۹/۷	منسوجات
۹/۹	۱۲/۹	۱۷/۳	۳۴/۳	مبلمان، لوازم خواب و لامپ
۷/۴	۱۰/۶	۱۶/۳	۵۳/۹	تجهیزات و قطعات بصری و عکاسی و پزشکی

می شود و طی سه ماهه اول سال ۲۰۰۶، ۱۰/۲ درصد رشد اقتصادی داشته است. کارشناسان معتقدند، حتا، افزایش بهره‌ها نیز اثر محسوسی در راستای کاهش این رشد نخواهد داشت.

چین، ممکن است بزودی به قدرتی جهانی تبدیل شود، اما، در بسیاری از زمینه‌ها هنوز نیاز به پیشرفت دارد. در حالی که ثروت و قدرت چین بیش از پیش رو به افزایش است، جامعه بین‌المللی اکنون بر این باور است که چین سزاوار آن است که به عنوان یک قدرت بزرگ شناخته شود و مورد احترام قرار گیرد. چین، با ترکیبی از تحرك اقتصادی، مهارت دیپلماتیک و بی‌اهمیت جلوه دادن خود به عنوان خطری جدی برای جامعه جهانی توانسته است به برتری امپراتوری گذشته خود در آسیا نزدیک شود. تیم لوارد؛ خبرنگار بی‌بی‌سی در چین، در تحقیقی نوشته است: چین، با پر کردن خلایی که فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی بر جای گذاشت، اکنون بیش از هر کشور دیگری می‌تواند به عنوان یک ابرقدرت، رقیب امریکا در جهان به‌شمار آید. این نکته که قدرت اقتصادی قدرت نظامی به‌دنبال دارد، دور از ذهن نیست. آیا چین به‌دنبال قدرت اقتصادی، به سوی برتری نظامی نیز خواهد رفت؟ پس از ظهور کمونیسم در چین، این کشور به مدت ۴۰ سال از نظر دیگر دول آسیا، کشوری فقیر و خطرناک به‌شمار می‌آمد که باید از آن پرهیز می‌کردند. اما، چین با تعدیل عقایدش، بار دیگر نقش پیشین خود را به صورت بزرگ خانواده در منطقه آسیای شرقی ایفا می‌کند و اقتصاد خود را احیا کرده است. ژاپن، با وجود نزدیک بودن به امریکا، برای جلوگیری از رکود اقتصادی خود، به چین و بازارهای آن چشم دوخته است و کشورهای جنوب شرق آسیا - که اقلیت چینی در آنها روز به روز قدرتمندتر می‌شوند - دیگر ژاپن را به عنوان کشوری که بتواند رهبری منطقه را به عهده بگیرد، در نظر نمی‌گیرند. با این وجود، کشورهایی هستند که چین را خطری برای جنوب شرق آسیا به‌شمار می‌آورند. چین، می‌خواهد به آرامی و با مسالمت به قدرت برتر دست یابد، اما، معلوم نیست که پس از رسیدن به آن چه خواهد کرد. برخی معتقدند که چین، مانند امریکا، سخت به اصول بازار آزاد پایبند

خواهد بود.

اصلاحات ساختاری چین هنوز ادامه دارد. عوامل اصلاحات به یکدیگر وابسته است. سالمسازی نظام بانکی، منوط به موفقیت اصلاح شرکت‌های دولتی است و این نیز، در گرو عملکرد مکانیسم‌های قدرتمند تأمین اجتماعی است. مراحل بعدی اصلاحات؛ شامل کاستن از نفوذ دولت در اقتصاد و تقویت بخش خصوصی خواهد بود. اما، این پرسش وجود دارد که این اصلاحات تا کجا ادامه خواهد یافت؟ به نظر می‌رسد که ادامه اصلاحات، در آینده نیاز به فضای باز و توسعه سیاسی دارد که از اصول اصلی اقتصاد بازار آزاد و سرمایه‌داری محسوب می‌شود. بنابراین، نظام سرمایه‌داری هدایت شده چین، در نهایت نیاز به آزادسازی سیاسی و کم کردن کنترل دولتی دارد تا بتواند به اهداف اصلی اقتصاد بازار دست یابد.

پی‌نوشتها

1. Purchasing Power Parity
2. per Capita GDP
3. Foreign Direct Investment

منابع

۱. خوا، لی، خی (۲۰۰۱)، جهانی شدن اقتصاد و چالش‌هایی که چین با آن روبرو است، پکن، آکادمی علوم اجتماعی.
۲. نمازی، حسین (۱۳۸۲)، نظام‌های اقتصادی، تهران، شرکت سهامی انتشار.
3. Coble, Parkes. M. (2001), "Is China Going Capitalist"? Department of History, University of Nebraska.
4. Franklin, Allen (2006), "China's Financial System: Past, Present and Future", Wharton School University of Pennsylvania.
5. Xiao Yang, Hon (2003), "Economic Development and Legal Evolution in China", Academy of Law, Singapore.
6. Morrison, Wayne. M. (2006), "China's Economic Conditions", Library of Congress.
7. Porket, J.L. (1998), **Modern Economic System And Their Transformation**, Macmillan.



**اقتصاد مواد مخدر با رویکردی
بر مبانی اقتصاد خرد**
دکتر شهزاد برومند
انتشارات پژوهشکده امور اقتصادی

فرهنگ شاعران زبان پارسی

از آغاز تا امروز
دو جلد
عبدالرفیع حقیقت (رفیع)
انتشارات کومش



واپسین وارث تخت و تاج قاجار
سلطان حمید میرزا قاجار
به کوشش حبیب لاجوردی
ترجمه امیر سعید الهی
نشر ثالث

قمار آمریکا در خاورمیانه

شیبلی تلهامی
ترجمه احسان الله نیک آیین
انتشارات جهاد دانشگاهی



رشد اقتصادی
رابرت لوکاس
ترجمه دکتر مهدی تقوی و...
دانشگاه آزاد اسلامی
واحد علوم و تحقیقات

ظهور و سقوط فاشیسم

ایتالیا در دوران موسولینی
ریچارد جیمز بون بوزورث
ترجمه علی اکبر عبدالرشیدی
انتشارات اطلاعات

